



The effect of differentiation, attachment styles and family functioning on couple burnout mediated by emotional intelligence

sanaz barzegar kahn mouei. Ph.D

Department of Counseling, Science and Research Branch, Islamic Azad university, Roudehen, Iran

Azam Fattahi Andabil. Ph.D

Assistant Professor, Department of Counseling, Science and Research Branch, Islamic Azad university, Roudehen, Iran

Malek Mirhashemi. Ph.D

Associate Professor, Department of Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad university, Roudehen, Iran

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effects of differentiation, attachment styles and family functioning on couple burnout by mediating emotional intelligence. The research method is correlation. The statistical population of the study was all couples living in Tabriz with at least 5 years of common life, who were 25 to 60 years old. In the present study, 600 (300 couples) were selected by multi-stage cluster sampling method (based on urban areas) in the first stage of the community. And if they have entry criteria including age range of 25-60 years; the duration of marriage is at least 5 years; lack of mental disorders; lack of experience in counseling and psychological interventions in the last two years; and willingness to participate in research voluntarily, was selected as research sample. Couple Burnout (Pines, 1996) Family Measurement (Epstein, Baldwin & Bishop, 1983), Attachment Styles (Bartholomew & Horowitz 1991), Emotional Intelligence (Bradberry and Greaves, 2005) and Differentiation Questionnaires (Skowron & Fridlander, 1998) were used to collect data. Questionnaires were administered to 300 couple and data analysis was performed on 300 units (average scores of each couple). The results of path analysis showed that the components of differentiation have an indirect effect on marital boredom mediated by emotional intelligence ($P < 0.05$). Also Differentiation has a direct effect on boredom ($P < 0.05$). According to the results, components of family functioning have an indirect effect on marital boredom mediated by emotional intelligence ($P < 0.05$). Also components of family functioning have a direct effect on boredom ($P < 0.05$). According to the results, attachment styles have an indirect effect on marital boredom mediated by emotional intelligence ($P < 0.05$). Also, attachment styles have a direct effect on couple burnout ($P < 0.05$).
Keywords: differentiation, attachment styles, family functioning, emotional intelligence, couple burnout

تأثیر تمایز یافتگی، سبکهای دلبستگی و عملکرد خانواده بر دلزدگی زناشویی با میانجیگری هوش هیجانی

ساناز برزگر کهنمویی

دانش آموخته دکتری، گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

اعظم فتاحی اندبیل*

استادیار، گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

مالک میرهاشمی

دانشیار، گروه روانشناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین تأثیر تمایز یافتگی، سبکهای دلبستگی و عملکرد خانواده بر دلزدگی زناشویی با میانجیگری هوش هیجانی انجام شد. روش پژوهش حاضر همبستگی و جامعه آماری پژوهش کلیه زوجین ساکن شهر تبریز دارای حداقل ۵ سال زندگی مشترک، ۲۵ الی ۶۰ ساله بود. در پژوهش حاضر ۳۰۰ زوج به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای (بر مبنای مناطق شهری) در مرحله اول از بین جامعه انتخاب و در صورت دارا بودن ملاکهای ورود (سن بین ۲۵-۶۰، مدت زمان ازدواج حداقل ۵ سال، نداشتن اختلالات روانی، نداشتن سابقه مشاوره و مداخلات روانشناختی در دو سال اخیر و اعلام آمادگی برای شرکت در پژوهش به صورت داوطلبانه) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. از پرسشنامه‌های دلزدگی زناشویی (Pines, 1996)، سنجش خانواده (Epstein, Baldwin & Bishop, 1983)، سبکهای دلبستگی (Bartholomew & Horowitz, 1991)، هوش هیجانی (Bradberry and Greaves, 2005) و تمایز یافتگی (Skowron & Fridlander, 1998) در جمع‌آوری داده‌ها استفاده گردید. پرسشنامه‌ها روی ۳۰۰ زوج و تحلیل داده‌ها بر روی ۳۰۰ واحد (میانگین نمرات هر زوج) انجام شد. نتایج تحلیل مسیر نشان داد، مؤلفه‌های تمایز یافتگی بر دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری هوش هیجانی تأثیر غیر مستقیم ($P < 0.05$) و تمایز یافتگی بر دلزدگی تأثیر مستقیمی دارد ($P < 0.05$). بر اساس نتایج، مؤلفه‌های عملکرد خانواده بر دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری هوش هیجانی تأثیر غیر مستقیم ($P < 0.05$) و همچنین مؤلفه‌های عملکرد خانواده بر دلزدگی تأثیر مستقیمی دارد ($P < 0.05$). سبکهای دلبستگی بر دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری هوش هیجانی تأثیر غیر مستقیم ($P < 0.05$) و سبکهای دلبستگی بر دلزدگی تأثیر مستقیمی دارد ($P < 0.05$).
کلید واژه‌ها: تمایز یافتگی، سبکهای دلبستگی، عملکرد خانواده، هوش هیجانی، دلزدگی زناشویی

مقدمه

واقع‌بینانه در مورد موضوعات سرشار از عاطفه در خانواده است (BarzgarKahnamoie, Mohammadi, Zaferanchizadeh & Fouladi, 2014). تحقیقات زیادی نشان داده است که افراد با سطح تمایز یافتگی مشابه با هم ازدواج می‌کنند و افرادی که تمایز یافتگی بیشتری دارند، رضایت بیشتری از روابط زناشویی خود دارند. از سوی دیگر فقدان تمایز خود، باعث ایجاد تعارض بین فردی و اضطراب و در نتیجه نارضایتی زناشویی می‌شود (Bhatt, 2001).

یکی دیگر از متغیرهایی که با دلزدگی زناشویی، سبک دلبستگی و تمایز یافتگی در ارتباط است، هوش هیجانی است. هوش هیجانی به عنوان یک توانایی، عبارت است از ظرفیت ادراک، ابراز، شناخت، کاربرد و اداره هیجانهای خود و دیگران (Mayer & Salovey, 1997). هوش هیجانی با شاخصهای بین موقعیتی رفتار نظیر همدلی، جرأت‌مندی و خوش‌بینی ارتباط دارد (Golman, 1995). به طور کلی هوش هیجانی، سهم قابل ملاحظه‌ای در روابط بین فردی و رضایت زناشویی دارد (Breaker, 2005). به طور کلی، اهمیت مؤلفه‌های هوش هیجانی در سازگاری زناشویی را اینگونه می‌توان عنوان کرد که روابط صمیمانه زوجین به مهارت‌های ارتباطی آنها مثل توجه به مسائل از زاویه دید همسر، توانایی درک همدلانه آنچه همسر تجربه کرده است، احساس و آگاه بودن از نیازهای او بستگی دارد (Carr, 2006).

یکی از عوامل مؤثر بر دلزدگی زناشویی، سبک دلبستگی (Attachment Style) است (Faramarzi, farzadi, Abdollahi, & Norouzian, 2016). در روانشناسی تحولی (Developmental psychology) پیوند عاطفی (Affective ties) بین مادر و نوزاد را دلبستگی می‌نامند (Bowlby, 1969). بسیاری از روانشناسان تحولی در مورد سه الگوی اساسی دلبستگی ایمن (Securely)، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا (Ambivalently) توافق دارند (Bukatko & Daehler, 1995). بارتولومئو و هورowitz (Bartholomew & Horowitz, 1991) چهار نوع دلبستگی ایمن، دلبستگی ترسان (Fearful Attachment)، دلبستگی اشتغالی (Preoccupied Attachment) و دلبستگی انفصالی (Dismissing Attachment) را براساس مدل‌های خود و دیگران متمایز نمودند. سبک دلبستگی ایمن،

نظام خانواده در زمره مهم‌ترین نظام‌های اجتماعی است که بر اساس ازدواج بین دو جنس شکل می‌گیرد (Aslani, 2016). (Jameie & Rajabi)؛ از این رو، نیاز به برقراری و حفظ پیوند و روابط نزدیک با دیگران به عنوان انگیزه اساسی و بنیادی بشر قلمداد می‌شود (Besharat, 2012). افراد ازدواج را به عنوان صمیمانه‌ترین رابطه بزرگسالی محسوب می‌کنند؛ رابطه‌ای که برای آنها منبع اصلی عاطفه و حمایت است (Montesi, Conner, Gordon, Fauber, Kim & Heimberg, 2012; 2013). (Nekoie) یکی از آشفتگی‌ها و نابهنجاری‌های روان‌شناختی که به مرور زمان عشق و علاقه در روابط صمیمانه زوجین را کم‌رنگ‌تر و گاهی به طور کامل محو می‌کند و موجبات مشکلات روان‌شناختی، ادامه روابط سرد و بی تفاوتی و طلاق رسمی آنها را فراهم می‌کند، دلزدگی زناشویی (couple burnout) است. دلزدگی هنگامی بروز می‌کند که آنها متوجه می‌شوند که با وجود تمام تلاش‌هایشان، رابطه‌شان به زندگی معنا نداده و نخواهد داد (Vanpelt, 2004; Nunes, 2003 & Pines). مؤلفه‌های دلزدگی زناشویی شامل بعد خستگی جسمانی (Physical fatigue)، از پا افتادگی روانی (Mental disability) و از پا افتادگی عاطفی (Emotional disability) است (Pines, 2004). تحقیقات نشان می‌دهد که امروزه شیوع دلزدگی زناشویی بیشتر شده است. به طوری که ۵۰ درصد از زوجین در ازدواج خود با دلزدگی مواجه می‌شوند (Abbasi Esfajir, Ramezani & Javanmard, 2016). (Navabinejad, Shafiabadi, Abadatpour, 2013). (FalsafiNejad). مطالعه زوجین در حال طلاق نشان داد که شکست در رسیدن به راه حلی برای زندگی مشترک به طور معناداری با کارکرد خانوادگی هرج و مرج گونه و بی قید رابطه دارد. همچنین تحقیقات مختلف نقش کارکرد خانواده را در سلامت جسمی و روانی اعضای خانواده مطرح کرده‌اند (Miller, W. Ryan, Keitner, Bishop, & Epstein, 2000). از جمله مفاهیمی که در ارتباط تنگاتنگی با دلزدگی زناشویی قرار دارد، مفهوم تمایز خود (Self-differentiation) است. تمایز خود، بیانگر میزان توانایی فرد برای تفکر

ایمن، در روابط بین فردی، حل مسائل اجتماعی، سلامت روانی نسبت به افراد نایمن در سطح بالاتری قرار دارند. Thompson & Walden (2001) رابطه بین سبکهای دلبستگی و روشهای تنظیم و ابراز هیجان را نشان دادند.

Kazemian Moghaddam, Mehrabizadeh Honarmand,

Kiemanesh, Hosseiniyan (2017) در پژوهشی نشان دادند که بین تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی، با دلزدگی زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش Abbasi Esfajir, Ramezani. & Javanmard (2016) نشان داد بین عملکرد خانواده با مؤلفه‌های دلزدگی زناشویی، رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد. عملکرد خانواده و رضایت زوجین توانسته‌اند دلزدگی زناشویی را پیش‌بینی کنند. Norouzian Faramarzi, Farzadi, Abdollahi, & (2016) در پژوهشی نشان دادند، مجموع سبکهای دلبستگی و مؤلفه‌های تمایز یافتگی خود ۳۳ درصد از واریانس دلزدگی زناشویی را تبیین می‌کنند. Eshghi (2015)، Biadisy-Ashkar, Peleg & Gabelman (2013)، Likcani (2012) در پژوهشهای خود نشان داد بین تمایز یافتگی و دلزدگی زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد.

در صورتی که این متغیرهای پیش‌بین که در پژوهش مطرح شده است قدرت تبیین و میانجیگری را داشته باشد تلویحات کاربردی آن این خواهد بود که متخصصان بالینی و متخصصان بهداشت روانی برای کاهش دلزدگی زناشویی در تدوین پروتکل‌های مرتبط از متغیرهای موجود در این پژوهش بهره ببرند. با توجه به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر با هدف تبیین روابط ساختاری تمایز یافتگی، سبکهای دلبستگی و عملکرد خانواده با میانجیگری هوش هیجانی در تبیین دلزدگی زناشویی انجام شد. در نتیجه فرضیه‌های پژوهش عبارت بودند از:

۱. مؤلفه‌های تمایز یافتگی بر دلزدگی زناشویی تأثیر مستقیم و همچنین این مؤلفه‌ها با میانجی‌گری هوش هیجانی بر دلزدگی زناشویی تأثیر غیر مستقیمی دارد.
۲. سبکهای دلبستگی بر دلزدگی زناشویی تأثیر مستقیم و همچنین این سبک‌ها با میانجی‌گری هوش هیجانی بر دلزدگی زناشویی تأثیر غیر مستقیمی دارد.

مدل‌های مثبت از خود و دیگران که انعکاس دهنده اعتماد در تعامل با دیگران است. سبک دلبستگی ترسان، مدل‌های منفی از خود و دیگران که اشاره به اجتناب از تعامل شخص به دلیل اضطراب آسیب دیدن یا فریب خوردن است. سبک دلبستگی اشتغالی، مدل‌های منفی از خود و مدل‌های مثبت از دیگران که توسط تلاش همراه اضطراب برای اخذ قبولی و اعتبار از دیگران مشخص شده است. سبک دلبستگی انفصالی، مدل‌های مثبت از خود و مدل‌های منفی از دیگران که منعکس‌کننده اعتماد به نفس خود و تلاش برای استقلال است. (Bartholomew & Horowitz, 1991) بسیاری از سبکهای ارتباطی مورد استفاده توسط مراقبان ممکن است کارآمد نباشند و منجر به شکل‌گیری سبکهای دلبستگی ناسازگارانه‌ای در بزرگسالان گردند که می‌توانند راهکارهای مقابله‌ای و نهایتاً تنظیم هیجانی را در بزرگسالی در مواجهه با مشکلات تحت تأثیر قرار دهند (Griffin & Bartholomew, 1994). در سه دهه اخیر نظریه دلبستگی به یکی از چهارچوب‌های مفهومی مهم برای درک فرآیندهای ارتباطی بین افراد تبدیل شده است (Donarelli, Kivlighan, Allegra & Lo Coco, 2016). وقتی سیستم دلبستگی فعال شود، فرد برای امنیت و نزدیکی افراد مهم (افراد مورد دلبستگی) را جستجو می‌کند (Hart & Howard, 2016) در واقع یک رابطه دلبسته ایمن می‌تواند عملکرد و شایستگی را در روابط بین فردی تسهیل کند. اگر فرد چنین امنیت و راحتی را به دست آورد می‌تواند در مسیر امنی که فراهم گردیده گام بردارد و مطمئن شود که می‌تواند در سایر فعالیت‌ها نیز موفق شود (Lang, Papp, Gonda, Dome & Rihmer, 2016). طبق نظریه بالبی الگوهای دلبستگی راهنمای روابط صمیمانه در گستره زندگی فرد است (Passia, Ghazal, & Kern, 2016). Ramezani, Shamse-e- Esfandabad, Tahmasebi (2007) دریافتند دلبستگی ایمن با تمایز و بازسازی یا مدیریت هیجانی رابطه مستقیم و سبکهای دلبستگی نایمن - اجتنابی و دوسوگرا با هر دو مؤلفه تمایز و بازسازی هیجانی رابطه معکوس دارد. در مقابل، افراد نایمن، آشفتگی‌های ذهنی بیشتر، شیوه‌های ناکارآمدتر و همدلی ضعیفتری دارند. Fullam (2002) با بررسی کیفیت دلبستگی و رفتارهای سازش‌یافته، نشان داد افراد با سبک دلبستگی

۳. مؤلفه‌های عملکرد خانواده بر دلزدگی زناشویی تأثیر مستقیم و همچنین این مؤلفه‌ها با میانجی‌گری هوش هیجانی بر دلزدگی زناشویی تأثیر غیر مستقیم دارد.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بوده که در آن روابط بین متغیرها با تحلیل مسیر مورد مطالعه قرار گرفته است. جامعه آماری کلیه زوجین ساکن شهر تبریز بود. در پژوهش حاضر ۶۰۰ نفر (۳۰۰ زوج) به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای (بر مبنای مناطق شهری) در مرحله اول از بین جامعه انتخاب و در صورت دارا بودن ملاکهای ورود شامل سن بین ۲۵-۶۰، مدت زمان ازدواج حداقل ۵ سال، نداشتن اختلالات روانی، نداشتن سابقه مشاوره و مداخلات روانشناختی در دو سال اخیر و اعلام آمادگی برای شرکت در پژوهش به صورت داوطلبانه به عنوان نمونه انتخاب شدند. محدوده زمانی نمونه‌گیری، سه ماهه تابستان و پاییز سال ۱۳۹۷ بود. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مسیر استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها ۳۰۰ واحد (میانگین نمرات هر زوج) وارد تحلیل گردید.

ابزار سنجش

ابزار سنجش خانواده (Family Assessment Device): این پرسشنامه یک ابزار ۶۰ سؤالی است که Epstein, Baldwin, Bishop & (1983) آن را تهیه کرده است. این پرسشنامه ۶ جنبه از کارکرد خانواده را که شامل حل مسأله، ارتباط، نقشها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار است، اندازه‌گیری می‌کند. ضریب آلفای این ابزار را Epstein, Baldwin, & Bishop (1983) بین ۰/۷۲ در بعد نقشها و کنترل رفتار و ۰/۹۲ در عملکرد کلی گزارش کرده است. در ایران اولین کوشش علمی برای هنجاریابی جهت سنجش عملکرد خانواده را Najarian (1997) انجام داد. وی ضریب آلفای این ابزار را با اجرا بر نمونه ۵۱۰ نفری، ۰/۹۳ در بعد کلی گزارش کرد. Ghadiri & Nooshkia (2008) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را در مطالعه بین ۰/۸۷ تا ۰/۹۰

گزارش شده‌اند که نشانگر پایایی بسیار این آزمون است. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برای ابعاد حل مسأله، ارتباط، نقشها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۹۱، ۰/۸۸، ۰/۸۵، ۰/۸۴ و ۰/۸۹ و برای کل مقیاس ۰/۹۲ به دست آمد. نمونه سؤال این پرسشنامه چنین است: « برنامه‌ریزی فعالیت‌های خانواده ما دشوار است چون ما یکدیگر را به درستی درک نمی‌کنیم .

پرسشنامه دلزدگی زناشویی پاینز (Couple burnout measure)

پرسشنامه دلزدگی زناشویی Pines (1996) ابداع کرد. این پرسشنامه ۲۱ سؤال دارد که شامل سه جزء خستگی جسمی (مثل احساس خستگی، سستی و داشتن اختلالات خواب)، از پا افتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، در دام افتادن) و از پا افتادن روانی (مثل احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم به همسر) است که روی یک مقیاس هفت امتیازی پاسخ داده می‌شوند (Pines, 2004). (Pines, 1996). ضریب پایایی پرسشنامه برای مؤلفه‌های خستگی جسمی، از پا افتادن عاطفی، از پا افتادن روانی و کل مقیاس را به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۸۷، ۰/۸۳ و ۰/۸۸ گزارش کرده‌اند. Navidi (2005) ضریب پایایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش کرده است. ضریب پایایی کل مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۸۶ به دست آمد. نمونه سؤال این پرسشنامه چنین است: « طی سه ماه گذشته تا چه حد احساسات زیر را در خانواده (روابط زناشویی) نسبت به همسر خود داشته‌اید؟»

پرسشنامه سبکهای دلبستگی (Attachment Styles Questionnaire)

این پرسشنامه را Bartholomew & Horowitz (1991) ساخته و شامل ۲۴ گویه و ۴ خرده‌مقیاس سبکهای دلبستگی ایمن، ترسان، اشتغالی و انفصالی است. شرکت‌کنندگان بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای به آن پاسخ می‌دهند که ارزش بیشتر به موافقت بیشتر و قویتر در دلبستگی تعلق می‌گیرد. Bigdeli, Najafy, Rostam (2013) پایایی این پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ برای سبک دلبستگی ایمن ۰/۷۳، سبک ترسان ۰/۷۷، سبک اشتغالی ۰/۷۱ و سبک انفصالی ۰/۷۷ گزارش کرده‌اند.

(2003) ساخته است. این پرسشنامه دارای ۴۵ سؤال و ۴ خرده‌مقیاس: ۱- واکنش‌پذیری عاطفی ۲- جایگاه من ۳- گریز عاطفی ۴- هم‌آمیختگی با دیگران است. این پرسشنامه با مقیاس لیکرت درجه‌بندی شده است. پایایی این ابزار از طریق آلفای کرونباخ توسط Skoworon (2004) ۰/۸۸ به دست آمد. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۹ به دست آمد. نمونه سؤال پرسشنامه چنین است: «نظر مردم درباره من این است که بیش از حد عاطفی هستم». افراد مورد مطالعه باید در قالب کاملاً در مورد من صحیح است = ۶-۵-۴-۳-۲-۱ ابداً در مورد من صحیح نیست به سؤالات پاسخ دهند.

روش اجرا و تحلیل داده‌ها

برای جمع‌آوری داده‌ها، ۳۰۰ زوج به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای (بر مبنای مناطق شهری) انتخاب شدند. پرسشنامه‌های پژوهش بر روی آنها اجرا گردید و داده‌های به دست آمده (میانگین نمرات زن و مرد) به روش تحلیل مسیر و با استفاده از نرم افزار SPSS و AMOS تحلیل شدند.

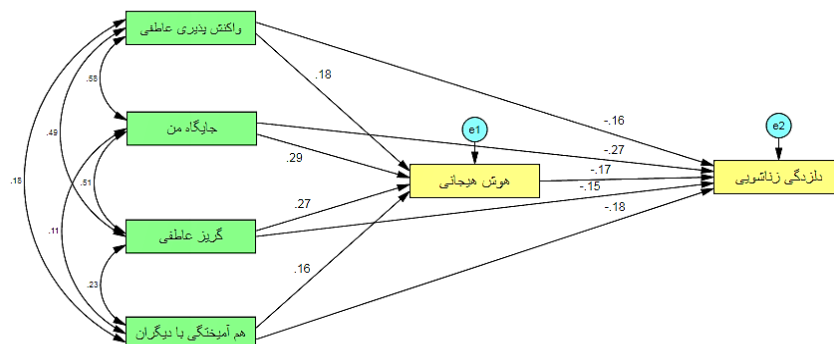
یافته‌ها

در این پژوهش ۳۰۰ زوج به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند که میانگین سنی زنان ۲۸/۴۵ و میانگین مردان ۳۳/۶۵ بود. از نظر تحصیلات بیشتر زنان لیسانس و بیشتر مردان دارای تحصیلات کارشناسی ارشد بودند.

در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برای سبک ایمن ۰/۷۲، سبک ترسان ۰/۷۹، سبک اشتغالی ۰/۷۴ و سبک انفصالی ۰/۸۰ به دست آمد. نمونه سؤال این پرسشنامه چنین است: «در روابط هیجانی احساس آرامش دارم.»

پرسشنامه هوش هیجانی برادبری و گریوز (Bradberry & Geraves Emotional Intelligence Questionnaire): این پرسشنامه دارای ۲۸ سؤال است و Bradberry, & Gerave (2005) آن را ساخته است. پاسخهای ارائه شده به هر سؤال در یک مقیاس شش درجه‌ای، یعنی «هرگز، به ندرت، گاهی، معمولاً، تقریباً همیشه و همیشه» قرار می‌گیرد. Ganji, Mirhashemi, Sabet. (2005) آن را در ایران هنجاریابی کرده‌اند. ضرایب اعتبار به دست آمده بین نمرات دو نوبت اجرا و برای خودآگاهی (۰/۷۳)، خودمدیریتی (۰/۸۷)، آگاهی اجتماعی (۰/۷۸)، مدیریت رابطه (۰/۷۶) و کل مقیاس (۰/۹۰) گزارش شده است. برای تعیین روایی، این آزمون به همراه آزمون هوش هیجانی بار-آن در یک گروه ۹۷ نفری اجرا شده و ضریب همبستگی ۰/۶۸ به دست آمده که در سطح ۰/۹۹ معنادار است. نمونه سؤال پرسشنامه چنین است: «به توانایی‌های خود اعتماد دارید؟» که در یک مقیاس شش درجه‌ای؛ یعنی «هرگز، به ندرت، گاهی، معمولاً، تقریباً همیشه و همیشه» پاسخ داده می‌شود.

پرسشنامه تمایز یافتگی خود (Self- differentiation Questionnaire): این پرسشنامه را Dendy & Skoworon



شکل ۱: ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی بررسی تأثیر مستقیم و غیر مستقیم تمایز یافتگی بر دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری هوش هیجانی (فرضیه اول)

جدول ۱: شاخص‌های برازش مدل مربوط به فرضیه اول

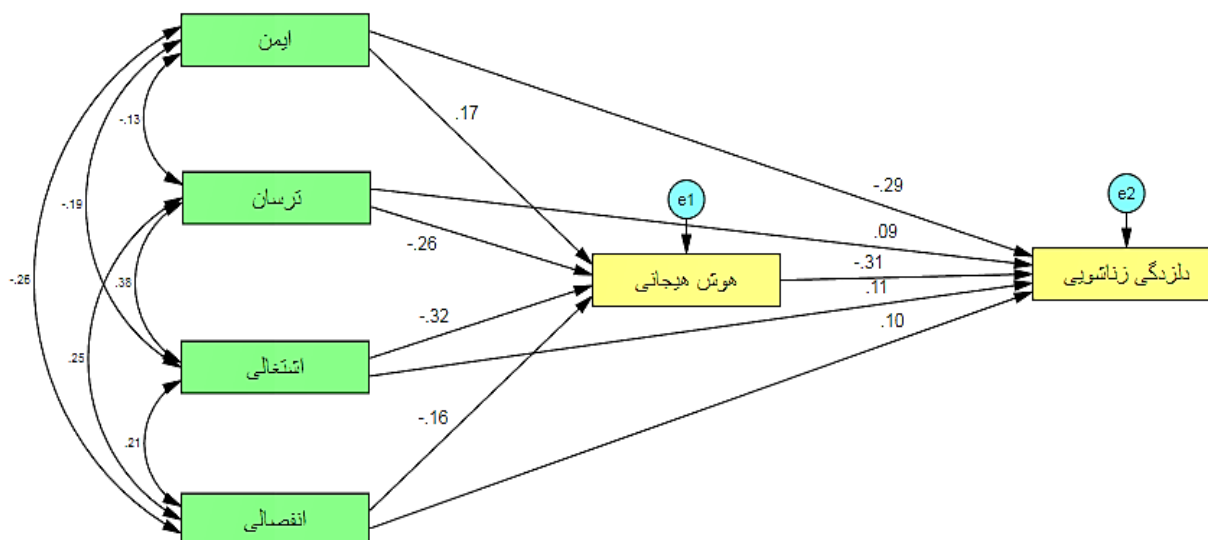
GFI	CFI	SRMR	RMSEA	IFI	χ^2/df	شاخص برازش
>۰/۹	>۰/۹	<۰/۰۸	<۰/۰۸	>۰/۹	≤۳	دامنه مورد قبول
۰/۹۹۲	۰/۹۸۸	۰/۰۲۰	۰/۰۷۵	۰/۹۸۹	۲/۶۱۳	مقدار مشاهده شده

جدول ۲: ضریب مسیر تأثیر مستقیم بین تمایز یافتگی با دلزدگی زناشویی

سطح معناداری	آماره آزمون	ضریب استاندارد	مسیر	واکنش پذیری عاطفی
۰/۰۰۱	-۳/۲۸۸	-۰/۱۶۳	← دلزدگی زناشویی	واکنش پذیری عاطفی
۰/۰۰۱	-۵/۱۷۱	-۰/۲۶۸	← دلزدگی زناشویی	جایگاه من
۰/۰۰۲	-۳/۱۲۱	-۰/۱۵۳	← دلزدگی زناشویی	گریز عاطفی
۰/۰۰۱	-۴/۴۰۹	-۰/۱۷۸	← دلزدگی زناشویی	هم‌آمیختگی با دیگران
۰/۰۰۱	-۳/۳۵۵	-۰/۱۷۳	← دلزدگی زناشویی	هوش هیجانی

جدول ۳: ضرایب مسیر تأثیر غیر مستقیم مؤلفه‌های تمایز یافتگی بر دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری هوش هیجانی (فرضیه اول)

سطح معناداری	ضریب استاندارد	اثر غیر مستقیم	هوش هیجانی	واکنش پذیری عاطفی
۰/۰۲۶	-۰/۰۳۲	دلزدگی زناشویی	هوش هیجانی	واکنش پذیری عاطفی
۰/۰۱۳	-۰/۰۵۰	دلزدگی زناشویی	هوش هیجانی	جایگاه من
۰/۰۱۴	-۰/۰۴۷	دلزدگی زناشویی	هوش هیجانی	گریز عاطفی
۰/۰۰۷	-۰/۰۲۸	دلزدگی زناشویی	هوش هیجانی	هم‌آمیختگی با دیگران



شکل ۲: ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی برای بررسی تأثیر مستقیم و غیر مستقیم سبک‌های دلبستگی و دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری هوش هیجانی

هیجانی، از روش بوت استراپ استفاده شد. بر اساس نتایج، ضرایب غیرمستقیم به دست آمده معنادار است ($P < 0/05$)؛ از این رو نتیجه گرفته می‌شود مؤلفه‌های تمایز یافتگی از طریق هوش هیجانی بر دلزدگی زناشویی تأثیر غیر مستقیمی دارد؛ بنابراین فرضیه اول تحقیق تأیید می‌گردد. با در نظر گرفتن مجموع شاخص‌های محاسبه شده، برازش مدل با داده‌ها برقرار است.

در مجموع و با در نظر گرفتن مجموع شاخص‌های محاسبه شده، برازش مدل با داده‌ها برقرار است. بر اساس نتایج به دست آمده ضرایب مسیر تأثیر مستقیم مؤلفه‌های تمایز یافتگی بر دلزدگی زناشویی معنادار است ($P < 0/01$)؛ بنابراین مؤلفه‌های تمایز یافتگی بر دلزدگی زناشویی تأثیر مستقیمی دارد ($P < 0/01$).

برای تعیین معناداری آماری تأثیر غیرمستقیم مؤلفه‌های تمایز یافتگی بر دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری هوش

جدول ۴: شاخص‌های برازش مدل (فرضیه دوم)

GFI	CFI	SRMR	RMSEA	IFI	χ^2/df	شاخص برازش
>0/9	>0/9	<0/08	<0/08	>0/9	≤ 3	دامنه مورد قبول
0/997	0/994	0/014	0/069	0/994	2/08	مقدار مشاهده شده

جدول ۵: ضریب مسیر تأثیر مستقیم سبک‌های دلبستگی بر دلزدگی زناشویی

مسیر	ضریب استاندارد	آماره آزمون	سطح معناداری
ایمن ← دلزدگی زناشویی	-0/294	-8/058	0/001
ترسان ← دلزدگی زناشویی	0/087	2/214	0/027
اشتغالی ← دلزدگی زناشویی	0/108	2/701	0/007
انفصالی ← دلزدگی زناشویی	0/098	2/655	0/008

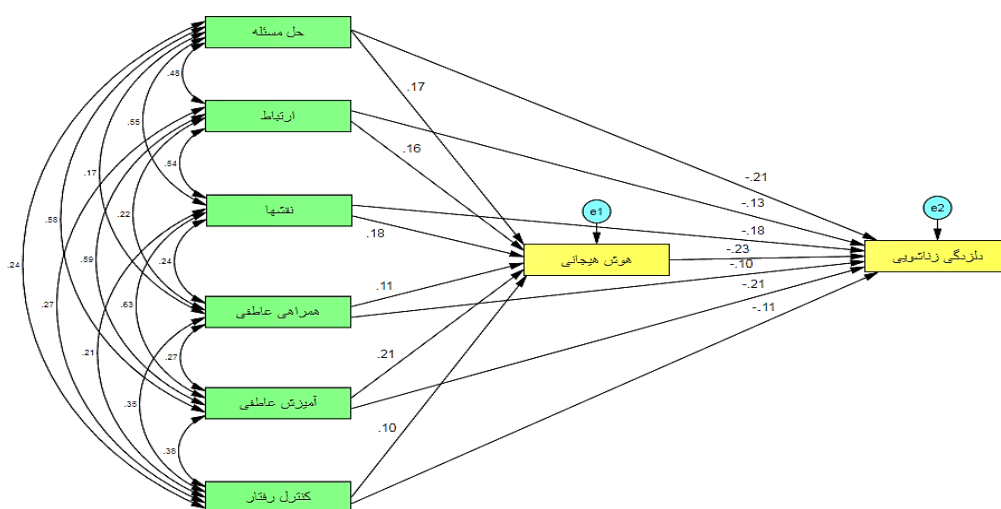
بر اساس نتایج (جدول ۵)، تأثیر مستقیم بین سبک‌های دلبستگی با دلزدگی زناشویی معنادار است ($p < 0/05$)؛ بنابراین سبک‌های دلبستگی (ایمن، ترسان، اشتغالی، انفصالی) بر دلزدگی زناشویی تأثیر مستقیمی دارد ($p < 0/05$).

جدول ۶: ضرایب مسیر تأثیر غیر مستقیم سبک‌های دلبستگی بر دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری هوش هیجانی (فرضیه دوم)

اثر غیر مستقیم	ضریب استاندارد	سطح معناداری
هوش هیجانی → دلزدگی زناشویی	-0/054	0/004
هوش هیجانی → دلزدگی زناشویی	0/080	0/003
هوش هیجانی → دلزدگی زناشویی	0/10	0/011
هوش هیجانی → دلزدگی زناشویی	0/049	0/009

غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی بر دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری هوش هیجانی معنادار است ($P < 0/05$)؛ بنابراین فرضیه دوم تحقیق تأیید می‌گردد.

برای تعیین معناداری آماری تأثیر غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی بر دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری هوش هیجانی، از روش بوت استراپ استفاده شد. بر اساس نتایج، تأثیر



شکل ۳: ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی بررسی تأثیر مستقیم و غیر مستقیم عملکرد خانواده و دلزدگی با میانجی‌گری هوش هیجانی (فرضیه سوم)

جدول ۷: شاخص‌های برازش مدل (فرضیه سوم)

GFI	CFI	SRMR	RMSEA	IFI	χ^2/df	شاخص برازش
>۰/۹	>۰/۹	<۰/۰۸	<۰/۰۸	>۰/۹	≤۳	دامنه مورد قبول
۰/۹۹۶	۰/۹۹۵	۰/۰۱۳	۰/۰۷۲	۰/۹۹۶	۲/۳۷	مقدار مشاهده شده

در مجموع و با در نظر گرفتن مجموع شاخص‌های محاسبه شده برقرار است. بر اساس نتایج (جدول ۸)، تأثیر مستقیم مؤلفه‌های عملکرد خانواده بر دلزدگی زناشویی منفی و معنادار است ($p < ۰/۰۱$).

جدول ۸: ضریب مسیر رابطه مستقیم بین عملکرد خانواده و هوش هیجانی با دلزدگی زناشویی (فرضیه سوم)

مسیر	ضریب استاندارد	آماره آزمون	سطح معناداری
حل مسأله ← دلزدگی زناشویی	-۰/۲۰۷	-۴/۴۴۷	۰/۰۰۱
ارتباط ← دلزدگی زناشویی	-۰/۱۳۳	-۲/۸۵۵	۰/۰۰۴
نقشها ← دلزدگی زناشویی	-۰/۱۸۴	-۳/۶۹۵	۰/۰۰۱
همراهی عاطفی ← دلزدگی زناشویی	-۰/۰۹۹	-۲/۵۳۶	۰/۰۱۱
آمیزش عاطفی ← دلزدگی زناشویی	-۰/۲۰۹	-۳/۸۴۳	۰/۰۰۱
کنترل رفتار ← دلزدگی زناشویی	-۰/۱۱۳	-۲/۸۰۳	۰/۰۰۵

برای تعیین معناداری آماری رابطه غیرمستقیم عملکرد خانواده با دلزدگی زناشویی از طریق متغیر میانجی هوش هیجانی، از روش بوت استراپ استفاده شد. بر اساس نتایج، ضرایب غیرمستقیم به دست آمده معنادار است ($P < ۰/۰۵$)؛ از این رو فرضیه پژوهش تأیید و نتیجه گرفته می‌شود، مؤلفه‌های عملکرد خانواده بر دلزدگی زناشویی با میانجی‌گری هوش هیجانی تأثیر غیر مستقیمی دارد؛ بنابراین فرضیه سوم تحقیق تأیید می‌گردد.

جدول ۹: ضرایب مسیر تأثیر غیر مستقیم عملکرد خانواده بر دلزدگی زناشویی با میانجیگری هوش هیجانی (فرضیه سوم)

سطح معناداری	ضریب استاندارد	اثر غیر مستقیم	هوش هیجانی	حل مسأله
۰/۰۱۰	-۰/۰۳۹	دلزدگی زناشویی	هوش هیجانی	حل مسأله
۰/۰۱۴	-۰/۰۳۷	دلزدگی زناشویی	هوش هیجانی	ارتباط
۰/۰۰۷	-۰/۰۴۳	دلزدگی زناشویی	هوش هیجانی	نقشها
۰/۰۲۰	-۰/۰۲۶	دلزدگی زناشویی	هوش هیجانی	همراهی عاطفی
۰/۰۰۶	-۰/۰۴۹	دلزدگی زناشویی	هوش هیجانی	آمیزش عاطفی
۰/۰۴۵	-۰/۰۲۲	دلزدگی زناشویی	هوش هیجانی	کنترل رفتار

نتیجه‌گیری و بحث

مرزها را تنظیم کند؛ در واقع تمایز یافتگی، از آمیختگی زن و شوهر در مواقع بحرانی جلوگیری می‌کند و آنها را قادر می‌سازد تا مشکلات موجود در رابطه را با عقل و منطق و نه بر اساس واکنش‌پذیریهای هیجانی و احساسی رفع کنند. در سمت مقابل، تمایز نیافتگی زوجها از طریق فاصله‌گیری عاطفی از یکدیگر در موقعیتهای دشوار، آنها را به سمت دلزدگی سوق می‌دهد. همچنین افراد با تمایز یافتگی بسیار، استرس و افسردگی کمتری در رابطه زناشویی دارند. استرس و افسردگی دو مورد از علائم مهم دلزدگی زناشویی است. در تبیین یافته به دست آمده می‌توان گفت افراد تمایز یافته و دارای موقعیت من بسیار قادرند هیجانان خود را در روابطی که دارند به شیوه‌ای مثبت و کنترل شده مدیریت و بر اساس تفکر تصمیم‌گیری کنند و حریم‌های شخصی سالمی در روابطشان برقرار کنند؛ در عین حال این قدرت را دارند که صمیمیت دوستی‌های نزدیک به هم را تجربه کرده و روابط عمیق و بلندمدتی را با دیگران برقرار کنند و در روابطی که دارند به اهداف و ارزشهای خود دست یافته و قابلیت ثبات، تعهد و اعتمادپذیری بیشتری در روابط را که منجر به رضایتمندی در روابط می‌شود به نمایش بگذارند (Eshgi, 2015). افراد تمایز یافته برای تجربه عواطف عمیق، احساس آزادی می‌کنند و دارای قابلیت نظم‌بخشی به هیجانان خود بوده و به طور آزادانه به آنها دسترسی دارند. در تبیین دیگر یافته به دست آمده می‌توان گفت، افراد با تمایز یافتگی بسیار، به هیجانان خود آگاهی دارند و قادر به سنجش متفکرانه موقعیتند. این افراد توانایی رشد من مستقل را در روابط صمیمانه دارند و می‌توانند در روابط عمیق و

پژوهش حاضر با هدف تعیین تأثیر تمایز یافتگی، سبکهای دلبستگی و عملکرد خانواده بر دلزدگی زناشویی با میانجیگری هوش هیجانی انجام شد. نتایج حاصل از تحلیل فرضیه اول نشان داد، مؤلفه‌های تمایز یافتگی بر دلزدگی زناشویی نقش مستقیم و تأثیر غیر مستقیم با میانجیگری هوش هیجانی دارد. نتایج به دست آمده با نتایج Kazemian, Moghaddam, Mehrabizadeh Honarmand, Kiamanesh(2017), Faramarzi, farzadi, Abdollahi, & Norouzian(2016), Eshghi(2015), Gabelman(2012), Likcani(2012), Biadisy-Ashkar & Peleg,(2013) از نظر تأثیر مستقیم تمایز یافتگی بر دلزدگی زناشویی همسوست. در ادامه به تبیین تأثیر مستقیم و غیر مستقیم مؤلفه‌های تمایز یافتگی بر دلزدگی زناشویی با میانجیگری هوش هیجانی پرداخته شده است.

در تبیین یافته به دست آمده می‌توان گفت افراد دارای هوش هیجانی بسیار روابط نزدیک و محبت‌آمیزتری از خود نشان می‌دهند و این رابطه باعث کاهش دلزدگی زناشویی در زوجین می‌گردد. تحقیقات هم نشان داده‌اند که افراد با هوش هیجانی بسیار دارای همدلی، خودبازبینی و کنترل بسیار در موقعیتهای اجتماعی‌اند. این افراد مشارکت بیشتری با همسران خود داشته، روابط نزدیک‌تری را از خود نشان داده‌اند؛ بنابراین اینگونه همسران رضایت زناشویی بیشتر و دلزدگی کمتری در زندگی دارند. در تبیین رابطه منفی و معنادار تمایز یافتگی با دلزدگی زناشویی، Likcani (2013) بیان می‌کند که تمایز یافتگی بسیار فرد را قادر می‌سازد تا

انتظار داشت که بزرگسالان ایمن، رضایت زناشویی بیشتر و دلزدگی زناشویی کمتری داشته باشند.

در تبیین دیگری می‌توان گفت افرادی که به دلیل سبک دلبستگی نایمن، قادر به شناخت یا کنترل هیجانات خود نیستند، در روابط با همسر خود دچار مشکل می‌شوند چون همسران آنها دچار نوعی نارضایتی خواهند شد؛ در نتیجه با گذشت زمان صمیمیت بین آنها کمتر می‌شود و در پی آن دلزدگی زناشویی بین آنان افزایش می‌یابد. از طرفی در روابط میان زوجین هرچه فرد از نظر دلبستگی ایمن‌تر باشد از نظر هیجانی بهتر می‌تواند احساسات خود را کنترل، روابط را مدیریت و آگاهی اجتماعی را بالا ببرد؛ در نتیجه خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه که مؤلفه‌های هوش هیجانی‌اند در افراد با سبک ایمن بسیار بوده و منجر به کاهش دلزدگی زناشویی در آنان می‌گردد. تحقیقات مختلفی نشان داده‌اند که سبک دلبستگی با دلزدگی همبسته است؛ به طوری که همبستگی مثبتی بین سبک نایمن و دلزدگی زناشویی وجود دارد. در تبیین یافته‌های پژوهش حاضر، چنین می‌توان گفت که افراد با سبک دلبستگی نایمن، به دلیل تجارب ارتباطی منفی خود با افراد نزدیک، معمولاً گسترش بی‌اعتمادی و دید منفی ناشی از این تجارب را، در آینده مثلاً در زندگی زناشویی و ارتباط با همسر، در صمیمی شدن با دیگران دارند و احساس راحتی نمی‌کنند و به خود اجازه نمی‌دهند که به راحتی به دیگران اعتماد کنند و به آنها وابسته شوند. در این زمینه، بالبی بیان می‌کند که تجربه نامنی در رابطه دلبستگی، با ویژگی‌های بی‌اعتمادی، آسیب‌پذیری، حساسیت و مشکلات ارتباطی، همبستگی دارد.

نتایج حاصل از تحلیل فرضیه سوم نشان داد، مؤلفه‌های عملکرد خانواده بر دلزدگی زناشویی تأثیر مستقیم و با میانجی‌گری هوش هیجانی تأثیر غیر مستقیمی دارد. نتیجه به دست آمده با نتایج Abbasi Esfajir, Ramezani. & Javanmard, (2016), Watkins, DiLillo (2015) همسوست. در تبیین یافته به دست آمده می‌توان گفت، خانواده واحدی عاطفی، اجتماعی است و کانون رشد و التیام، تغییر و تحول، آسیب‌شناسی اعضا و روابط بین آنهاست. همچنین

روابط زناشویی آرامش خود را حفظ کنند و از گسست عاطفی برای تعدیل تنش‌های درونی خود اجتناب کنند (Skoworon, 2004). از طرفی افراد با تمایزیافتگی بسیار دارای پختگی هیجانی‌اند، انعطاف پذیرند، قادر به برقراری و ادامه روابط صمیمانه با یکدیگرند و می‌توانند از آن لذت ببرند. مجموعه این عوامل باعث می‌شود زوجین در زندگی مشترک خود احساس دلزدگی نکنند و از زندگی مشترک خود احساس رضایت داشته باشند.

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل فرضیه دوم، سبک‌های دلبستگی بر دلزدگی زناشویی تأثیر مستقیم و از طریق میانجی‌گری هوش هیجانی تأثیر غیر مستقیمی دارد. نتیجه به دست آمده با نتایج Ramezani, Shamse-e-EsfandAbad, (2007), Tahnasebi, Jameie, Aslani. (2011); Lopez, Riggs, Pollard, & Hook Rajabi. (2016); Butzer & Campbell (2008) از نظر تأثیر مستقیم سبک‌های دلبستگی بر دلزدگی زناشویی همسوست.

درک مثبت و حمایت اجتماعی، دو مشخصه دیگر افراد دارای سبک دلبسته ایمن است که می‌توانند یافته‌های پیش‌گفته را تبیین کنند. درک مثبت همسران، تعامل‌های حمایتی زوجین را تقویت می‌کند که این خود منجر به رضایتمندی روابط زناشویی و کاهش دلزدگی زناشویی می‌شود (Pines, 2004). Bowlby (1969) معتقد است که ماهیت رابطه صمیمی اول (مادر - نوزاد)، ماهیت روابط صمیمی یک فرد را در سرتاسر زندگی تعیین می‌کند. این اندیشه‌ها را مستقیماً در روابط بزرگسالی به کار بردند و اعتقاد داشتند که رضایت از رابطه در بزرگسالی تا حد زیادی به ارضای نیازهای اساسی مربوط به آسایش، مراقبت و کامروایی جنسی بستگی دارد. بزرگسالان دارای دلبستگی ایمن، قادرند درباره کیفیت و اثرات روابط دلبستگی خود و مثبت یا منفی بودن این ارتباط به طور منطقی بحث کنند. آنها اهمیت رابطه دلبستگی در دوران کودکی را تأیید می‌کنند. بزرگسالان ایمن تجسمی مثبت از منبع دلبستگی دارند. این تجسم مثبت، احساس خودارزشمندی و تسلط را در این افراد افزایش داده، آنان را قادر می‌کند عواطف منفی را به شیوه‌ای سازنده تعدیل کنند (Cassidy, 1998)؛ پس می‌توان

محدودیت این پژوهش، این بود که نتایج فقط به جامعه آماری پژوهش قابل تعمیم است. همچنین محدودیت دیگر استفاده از ابزارهای خودسنجی در سنجش متغیرهای پژوهش است. با توجه به جدید بودن موضوع و به خصوص ابزار به کار رفته؛ یعنی پرسشنامه دلزدگی، پیشنهاد می شود پژوهشهای دیگری در تعیین رابطه این متغیر با سایر متغیرهای مرتبط در حیطه زناشویی، انجام شود. همچنین با روشهای دیگری از جمله مصاحبه بالینی متغیرهای پژوهش سنجیده شوند. همچنین این پژوهش به صورت مقطعی انجام شده پس نمی تواند در رابطه سببی متغیرها تبیینی ارائه دهد. بر اساس ارزیابی مراحل دلزدگی زناشویی، درمانگران می توانند برنامه درمانی مناسبی را در مسیر کمک به زوجین در معرض دلزدگی طرح ریزی کنند. با توجه به تأیید شدن نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در دلزدگی زناشویی، می توان از نتایج این پژوهش برای بهبود فرایند زوج درمانی و پیشگیری از روند دلزدگی بین زوجین و از مدل علی پژوهش حاضر در مشاوره‌های قبل، حین و بعد از ازدواج برای کاهش دلزدگی زناشویی و به تبع آن افزایش رضایت از زندگی استفاده کرد.

منابع

- Abadatpour, B., Navabinejad S., Shafi Abadi, A. , Philosophy Nejad M. R. (2013). Mediating role of family functions for individual resilience and spiritual beliefs and marital disturbance, *Quarterly Journal of Psychological Methods and Models*, 3(13), 29-45 [Persian].
- Abbasi Esfajir, A.S., Ramezani. L., & Javanmard. (2016). The Relationship Between Family Function and Couple Satisfaction With Marital Engagement of Married Cultures in Behshahr, *Journal of Law Enforcement*, 7(4), 51-70.
- Amanelahi, A., Aslani, KH., Tashkor, H., Ghavabesh.S., Nekoie, S.(2012). Romantic Attachment / Love Styles and Marital Satisfaction in Women: Investigating the Relationship, *Women's Studies Quarterly*, 10(3), 67-86. [Persian].

خانواده عامل همبستگی و شرط تعادل اجتماعی و رکن اصلی جامعه است که در هر نسلی کارکرد دارد و معمولاً این کارکرد در الگوهای تعاملاتی اعضایش تجلی می کند و ملاک کارایی خانواده این نیست که در آن فشار روانی، تعارض و مشکل وجود نداشته باشد بلکه این است که خانواده تا چه اندازه در تحقق وظایف و کارکردهایش توانایی دارد؛ بنابراین ناکارآمدی و آسیب خانواده در انجام وظایف و کارکردهایش، به آسیب زوجین می انجامد.

افرادی که از هوش هیجانی بسیاری برخوردارند، قادرند به دقت عواطف گوناگون و متفاوتی چون خشم، ترس، احساس گناه و عشق را از هم تشخیص دهند. اساسی ترین توانایی مؤثر در هوش هیجانی (عاطفی)، دریافت و تشخیص دقیق عواطف است. این توانایی ظاهراً عامل اساسی تشکیل دهنده یک زمینه غنی عاطفی برای داشتن یک زندگی زناشویی سعادتمندانه محسوب می شود. در قرن حاضر که زندگی روزمره، سرشار از استرس های مختلف است، توانایی کنترل هیجانهای نامطلوب در سلامت هیجانی اهمیت خاصی دارد (Golman, 1995). در تبیین نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین عملکرد خانواده و دلزدگی زناشویی می توان گفت هوش هیجانی باعث افزایش سازگاری و رضایت زوجین شده و بدین طریق منجر به بهبود عملکرد خانواده می گردد. خانواده‌هایی با عملکرد خانواده نامطلوب زمانی که مدیریت هیجان و رابطه خود را بهبود بخشند، دلزدگی زناشویی در آنها کاهش خواهد یافت در غیر این صورت با آسیب کارکرد خانواده، دلزدگی زناشویی افزایش می یابد. افراد دارای هوش هیجانی بسیار، روابط نزدیک و محبت آمیزتری از خود نشان می دهند و این رابطه باعث کاهش دلزدگی زناشویی در زوجین می گردد. تحقیقات نشان داده اند که افراد دارای هوش هیجانی بسیار، دارای همدلی، خودبازبینی و کنترل بسیار در موقعیتهای اجتماعی اند. این افراد مشارکت بیشتری با همسران خود داشته، روابط نزدیک تری را از خود نشان داده اند؛ بنابراین در صورت داشتن کارکرد نامطلوب خانواده با بهره گیری از هوش هیجانی می توان دلزدگی زناشویی بین زوجین را کاهش داد.

- Aslani.Kh.Jameie, M., Rajabi. Gh.(2016). The Effectiveness of Communication Image Education on the Quality of Marital Relationships of Couples *Journal of Applied Psychology*, 9(4), (36), 37-53.[Persian].
- Ayadi, N., Rasouli, M., Nazary A .M. (2017). Investigate mediating effect of self-esteem in the relationship between insecure attachment styles with marital burnout opiate addicts. *MEJDS*. 7 :58-58 [Persian].
- Bartholomew, K., & Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adult. A test of a four–category model. *J Pers Soc Psychol*; 61(2): 226–244.
- Barzgar Kahnamoie, S., Mohammadi, A., Zaferanchizadeh, M., Fouladi, F.(2014). Study of the relationship between self-differentiation, anxiety and marital satisfaction in married women in Tabriz city, *Women's and Family Studies Quarterly*, 7(26), 41-55[Persian].
- Bhatt, P.(2001), Differentiation of Self and marital adjustment within the Asian American Population. *Journal of marital and family therapy*, 39, 131-143.
- Biadisy-Ashkar, A., & Peleg, O. (2013). The relationship between differentiation of self and satisfaction with life amongst Israeli women: A cross cultural perspective. *Health*, 5 (9), 1467-1477.
- Bigdeli, I., Najafy, M., Rostami, M. (2013). The Relation of Attachment Styles, Emotion Regulation, and Resilience to Well-being among Students of Medical Sciences . *Iranian Journal of Medical Education*. 13 (9) :721-729[Persian].
- Bowlby J. (1969). *Attachment and loss*. New York: Basic Books; 211-53.
- Bradberry, T., & Geraves, J.(2005). *The emotional intelligence quick book: everything you need to know to put your EQ to work* ,c2005 ,Test your EQ: find out how emotionally intelligent you really are. Translate by Ganji, Tehran: Savalan [In Persian].
- Bukatko, D., & Daehler, M. W. (1995). *Child development* (2nd Ed.). Boston.
- Butzer, B., & Campbell, L. (2008). Adult attachment, sexual satisfaction, and relationship satisfaction: A study of married couples. *Personal Relationships*, 15, 141-154.
- Carr, A . (2006). *Family therapy: Concepts, process & practice* (second edition). John Wiley & sons, Ltd.
- Cassidy, J. (1988). Child–mother attachment and the self in six years olds. *Child development*, vol. 59, 121-134.
- Crugnola, C. R., Tambelli, R., Spinelli, M., Gazzotti, S., Caprin, C., & Albizzati, A.(2011). *Attachment patterns and emotion regulation strategies in the second year*. *Infant Behavior & Development* (34): 136–151.
- Donarelli, Z., Kivlighan, D. M., Allegra, A., & Lo Coco, G. (2016). How do individual attachment patterns of both members of couples affect their perceived infertility stress? An actor–partner interdependence analysis. *Personality and Individual Differences*, 92, 63–68.
- Epstein, N.B., Baldwin, L.M., & Bishop, D.S. (1983). *The McMaster family assessment device*. *Journal of Marital and Family Therapy*, 9: 171-180.
- Eshghi, A.(2015). Investigating the relationship between psychological hardiness, self-differentiation and marital disturbance in married female teachers of primary schools in Neyshabur city in the academic year of 2015-2016. Master's Thesis, Faculty of Psychology, Bojnourd University [Persian].
- Faramarzi, H., Farzadi, H., Abdollahi, n & Norouzian, M.(2016). The Relationship between Attachment Styles and Its Differentiation Components with Marital Engagement of Married Employees in Shahid Chamran University of Ahvaz. Fourth National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies [Persian].
- Fullam M.(2002). Adult attachment, emotional intelligence, health and immunological responsiveness to stress. *Diss Abstr Int*; 63(2-B):1079.
- Gabelman, E. (2012). The effects of locus of control and differentiation of self on relationship satisfaction.

- Ganji, H., Mirhashemi, m., Sabet, M. (2006). Standardization of Bradbury-Graves' Emotional Intelligence Test, Thought and Behavior in Clinical Psychology (Applied Psychology), 1(2), 23-35 [Persian].
- Ghadiri, F & Nooshkia, S. (2008). The Contribution of Family Function Dimensions in Utilization of Coping Strategies by Patients with Multiple Sclerosis. *Journal of Family Research*, 4(1), 51-61 [Persian].
- Ghadiri, F & Nooshkia, S. (2008). The Contribution of Family Function Dimensions in Utilization of Coping Strategies by Patients with Multiple Sclerosis. *Journal of Family Research*, 4(1), 51-61 [Persian].
- Golman D. (1995). *Emotional Intelligence*. 1st ed. New York: Bantam; 55-86.
- Griffin, D.W., Bartholomew, K. (1994). *The metaphysics of measurement: The case of adult attachment*. In K. Bartholomew & D. Perlman (Eds.), *Advances in personal relationships: Attachment processes in adulthood* (pp. 17-52). London: Jessica Kingsley Publishers.
- Hart, J., & Howard, R. M. (2016). I want her to want me: Sexual misperception as a function of heterosexual men's romantic attachment style. *Personality and Individual Differences*, 92, 97-103.
- Kazemian Moghaddam, K., Mehrabizadeh Honarmand, M., Kiamanesh, A., Hosseiniyan, S (2017). The role of differentiation, meaningfulness in life and forgiveness in predicting marital satisfaction, *Family Psychology*, 3(2), 82-71. [Persian].
- Khanjani, Z. (2005). Developmental and pathological attachment from childhood to adolescence. Tabriz: Forouzesh [Persian].
- Lang, A., Papp, B., Gonda, X., Dome, P., & Rihmer, Z. (2016). Dimensions of adult attachment are significantly associated with specific affective temperament constellations in a Hungarian university sample. *Journal of Affective Disorders*, 191, 78-81. <http://doi.org/10.1016/j.jad.2015.11.026>
- Likcani, A. (2013). *Differentiation and intimate partner violence*. Dissertation for Doctor of Philosophy, College of Human Ecology, Kansas State University.
- Lopez, J. L., Riggs, S. A., Pollard, S. E., & Hook, J. N. (2011). Religious commitment, adult attachment, and marital adjustment in newly married couples. *Journal of Family Psychology*, 25(2), 301-309.
- Mayer, J. D., Salovey, P. (1997). *What is emotional intelligence? In P. Salovey and D. Sluyter (Eds). Emotional development and emotional intelligence: Implications for educators*. (pp. 3-31). New York: Basic.
- Mazaheri, M.A., Nejati, V, Zabihzadeh, A, Maleki, Gh. (2017) Attachment styles and recognition of facial expression of emotion, *Applied Psychological Research Quarterly*, 8(1)1-11. [Persian].
- Miller, L. W. Ryan, C. E., Keitner, G. L., Bishop, D. S., & Epstein, N. B. (2000). The McMaster approach to family: theory, assessment, treatment & research. *Journal of family*. 22, 168-189.
- Montesi, J.L., Conner, B.T., Gordon, E.A., Fauber, R.L., Kim, K.H., & Heimberg, E. (2013). On the Relationship Among Social Anxiety, Intimacy, Sexual Communication, and Sexual Satisfaction in Young Couples. *Archives of Sexual Behavior*. 42(1); 81-91.
- Najarian, F. (1997). Factors Affecting Family Efficiency, Psychometric Properties of Family Assessment Device, Master's Thesis, Faculty of Psychology, Islamic Azad University Branch of Roudhen [Persian].
- Narimani, M., Pouresmali, A., Mikaeili, N., Hajloo, N. (2016) The mediating role of couple communication patterns in the relationship between enduring vulnerabilities and marital burnout in the divorce-seeking couples, *Family Psychology*, 2(2), 51-66 [Persian].
- Navidi, F. (2005). Investigating and comparing the relationship between marital disturbance and organizational climate factors among staff of educational and nursing departments of Tehran

- hospitals. Master's thesis, Consultation, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Shahid Beheshti University. [Persian].
- Passia, N., Ghazal, M., & Kern, M. (2016). Long-term retention behaviour of resin matrix attachment systems for overdentures. *Journal of the Mechanical Behavior of Biomedical Materials*, 57, 88–94.
- Pines, A. M & Nunes, R. (2003) The relationship between career and couple burnout: implications for career and couple counseling. *Journal of employment counseling*, 74 on 2 p 50-64
- Pines, A. M. (2004). Adult attachment styles and their relationship to burnout: a preliminary, Cross-cultural investigation. *Work and stress*. 18(1) 66-80.
- Pinez, A. M.(2009). Couple burnout: Causes and Cures, Translate by Shadab . Tehran: Gognoos [Persian].
- Ramezani, V., Shamse-e-Esfand Abad, h., Tahmasebi, Sh.(2007). Investigating the Emotional Consequences of Attachment Styles in Students, *Quarterly Journal of Psychological Health*, 1(1), 38-48 [in Persian].
- Sanaie Zaker, B.(2008).Family and marriage scales, Tehran: Besat[Persian].
- Skoworon, E.A. (2004). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 2 , 229-237.
- Thompson, F& Walden, T. (2001).Dimensions of emotional intelligence: Attachment, effect regulation, alexithymia and empathy. *Disserta Abstr Internat* ; 58 (4): 2109..
- Vanpelt, N. (2004). *Creative ways to keep Romance Alive*. Retrieved. Septamber 1, <http://www.heartnhon1e.c0lTu/articlesfkeepingromancealivelive.htm>.
- Watkins, L. E., DiLillo, D., Hoffman, L., & Templin, J. (2015). Do self-control depletion and negative emotion contribute to intimate partner aggression? A labbased study. *Psychology of Violence*, 5(1), 35.